

«فساد فقط احیاناً نادرستی  
و دزدی چه دله دزدی چه  
دزدیهای بزرگ نیست، فساد  
در عقب ماندگی اجتماعی  
است، فساد در روابط اجتماعی  
است، فساد در اختلافات  
فاحش طبقاتی است،»  
«از بیانات شاهنشاه»

دکتر منوچهر قاطع

مسائل ایران

فساد دستگاه دولت

وقتی صحبت از فساد میشود همه متوجه دستگاه دولت میگردند در حالیکه این فقط سازمانهای دولتی نیست که فساد در بعضی از قسمتهای آن بچشم میخورد ولی از آنجا که ماعادت کرده ایم هرگز بیووب خود توجه نکنیم و بعناوین مختلف در زیر بار انتقاد از خود بگریزیم لذا همیشه بدنبال آن هستیم تا مقصری غیر از خود برای عیوب و فساد اجتماع پیدا کنیم هدف ما بهیچوجه این نیست که دستگاه دولت را تبرئه کنیم زیرا چنین کاری نه عاقلانه است و نه امکان دارد بلکه مقصود اینست که با کمک يك استدلال

فساد معرفی مینمایند .

چنین قضایای گرچه بسیار خشن و غیر منصفانه مینماید اما بی دلیل نیست زیرا که در گذشته دولت در کشور ما نقش حاکم و مردم نقش محکوم را داشتند پس هر بدبختی و اشکالی که در زندگی مردم وجود داشته عملاً بحساب فساد دستگاه دولتی گذاشته شده اما این فساد را همانطور که اشاره کردیم نمیتوان فقط در حد دزدی و رشوه خواریها محدود کرد و بديگر عوارض آن توجه و اعتنائی نداشت .

نگاهی بگذشته نشان میدهد که هرگاه سخن از سازمان اداری کشور بمیان آمده است مترادف با آن ذهن متوجه به بیکرشته تبعیضات، قساوتها، نادانیهها، تن پروریهها و بیگانگی پرستی ها گردیده و این دو علت عمده داشته یکی آنکه سازمان اداری کشور بعنوان نماینده قشرهای فئودال و دلان انحصارات بین المللی شناخته می شده و دیگر آنکه در داخل این سازمان بوروکراسی بمثابه جریانی فاسد کننده سد راه هرگونه پیشرفت و ترقی ملت بوده است .

گرچه در شرائط حاضر حالت اول یعنی دولت نماینده قشرهای فئودال و کارگذار انحصارات مالی بیگانه باشد در حد بسیار وسیعی ازین رفته ، ولی حالت دوم یعنی بوروکراتیسم همچنان حاکم بر سازمان اداری کشور است . این بوروکراتیسم که در درون دستگاه دولت و سازمان اداری کشور ریشه دوانده هرگونه تجدید نظر در احکام ، قوانین و آئین نامه های گذشته را بضرر خود دانسته و آنچنان وضعی ایجاد کرده است که کار اداری عملاً فاقد هرگونه تحرك سازنده و هماهنگ بارفورم های خلاق باشد .

بوروکراتیسم در کشور ما دوریشه اصلی دارد ، ریشه طبقاتی و ریشه تکنیکی . ریشه طبقاتی باین معنی که بوروکراسی ماهیتاً نتیجه طرز تفکر قشر محافظه کار و فرصت طلب است ، که طی سالیان دراز حاکم بر سازمان اداری کشور بوده و ریشه تکنیکی از این جهت که سازمان اداری برچنان اسلوبی استوار است و قوانین اجرائی و آئین نامه ها

تابعدی باروح انقلاب مغایر است که انجام يك کار کوچک عملاً احتیاج بشکیلاتی بزرگ و هزینه‌ای سرسام آور پیدا میکند و نتیجه چنین وضعی آنستکه سازمانهای اجرائی عموماً در خرده کاریهای بی مورد غرق شده و هدفهای اساسی را فراموش کنند. بسیاری از رؤسای سازمانها و ادارات که باصول فن مدیریت و رهبری صحیح آشنا و وارد نیستند بجای انجام کارهای اصیل و پرثمر وقت خود را بجزئیات بی ارزش و کم اهمیت میگذرانند و آن که میخواهد خود را مرفی و انقلابی نشان دهد معمولاً به کلی بافی های بی سر و ته میپردازد. سخن از انقلاب و منشود انقلاب شاه و مردم میگوید در حالیکه هنوز باالفبای انقلاب آشنا نیست و بعلاوه انقلاب را فقط تا آنجا قبول دارد که وسیله‌ای برای ترقی و پیشرفت شخصی او باشد.

ضمناً برای اینکه ظاهر را حفظ کرده باشد ب مردم چنین وانمود می کند که اگر او نباشد يك پای انقلاب لنگ است، این دسته از مدیران و رؤسای ادارات در حالیکه در دوران حیات خود هرگز مرد مثبت و عمل نبوده اند خود را آنچنان يکه تاز میدان فعالیت های مثبت نشان میدهند و بشکلی از دینامیک بودن سازمان تحت مدیریت خود یاد میکنند که امر بر همگان مشتبه میشود.

جای تردید نیست که این روش ها نه تنها هیچ مشکلی را حل نمیکند بلکه نتیجتاً دستگاه اداری کشور را از بیمودن راه مشخص و علمی و عملی در جهت تحقق اندیشه ها و برنامه های انقلابی منحرف میسازد.

**بوروکراتیسم اداری مامثله تقسیم کار و تقسیم مسئولیت را از بین برده بنحویکه کاریکه لازم است در یکساعت انجام شود معمولاً انجام آن از چند روز و گاهی از چند هفته میگذرد.** کار روتین و خالی از ابتکار اداری کارمندان را بصورت يك بروکرات و اشکال تراش حرفه‌ای در آورده و عیب عمده اینجاست که هرچه این خاصیت در کارمند بیشتر باشد زودتر بعنوان يك کارمند شایسته جلب توجه مافوق را مینماید و سرعت ترقی اداری او بیشتر خواهد بود.

منطقی و با تکیه بر واقع بینی و در نظر گرفتن شرایط عینی و مختصات جامعه ریشه های فساد را پیدا کرده و راه مبارزه با آنرا بیان کنیم .

### رنج مردم از فساد

در قبول این حقیقت نباید تردید داشت که مردم از وجود فساد در مملکت رنج میبرند زیرا حتی کسانی که خود عامل فساد هستند از وضع نامطلوبی که در نتیجه اشاعه فساد ایجاد میگردد برکنار مانده و انعکاس اثرات آنرا نه فقط در زندگی اجتماع و بصورت غیر مستقیم باید تحمل نمایند و لذا بالاجبار مصون از تعرض فساد نخواهند ماند . فساد را میتوان به **ایدمی** مهلکی تشبیه کرد که با سرعت میتواند تمام وجود جامعه را آلوده کند ، و درجه آسیب پذیری اجتماع را بنحو غیر قابل تصویری بالا برد . لطمه ای که فساد بیک جامعه میزند نه فقط نسل حاضر بلکه نتایج و رآکسیونهای ناشی از آن نسل آینده را نیز متأثر و متألم میکند . آنها که بر اه فساد و مروج آنند با عمل خود حتی به نسل های آینده خیانت میکنند و موجبات اضمحلال و نیستی یک ملت را فراهم میسازند تاریخ اجتماعات بشری ملتهای بزرگ و نیرومندی بیاد میآورد که تنها بواسطه بروز فساد در شئون مختلف حیات سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی و اقتصادی خود از بین رفته و در عصر حاضر دیگر نشانی از آن ملل و اقتدار و عظمتی که داشته اند برجای نمانده اگر تاریخ آئینه عبرت و نمایشی از درجات تکامل و همچنین تشریح کننده چگونگی بروز حوادث و دگرگونیهای هستی برای جوامع بشری باشد میتوان از آن آموخت که چگونه فساد ، تباهی و سیه روزی و ناکامی میآورد و چگونه مرگ و نیستی بدنبال خود دارد .

### فساد چیست ؟

بعضی ها اینطور تصور میکنند که فساد بدزدی از بیت المال و رشوه خواری محدود بوده و چون این عمل بیشتر در دستگاه دولت دیده شده است لذا فقط دولت را عامل فساد شناخته و هرگاه که صحبت از این مقوله میشود دستگاه دولتی را بعنوان مظهر

در حال حاضر سازمان اداری کشور که نقش **روبنا** را ایفا مینماید بیهیچوجه با **زیربنای** مترقی که در حال نضج و تکوین است هماهنگ نیست و بهمین مناسبت :

**اولا** - شور و انرژی لازم را برای اجرای پروژه های انقلابی ندارد .

**ثانیا** - از برخورد با مشکلات می هراسد و از زیر بار قبول مسئولیت کامل شانه خالی میکند .

**ثالثا** - از تنظیم دقیق وقت و کار عاجز است و لذا درحالیکه سطح بازده کار بسیار پائین است عموماً مسئولان امور و کارمندان از نداشتن وقت در مقابل کار زیاد شکایت دارند .

**رابعا** - برای فرار از زیر بار انجام وظائف محوله از روش مذموم باری بهره جت، کج دار و مریز و کار امروز را بفردا افکندن استفاده میکند .

**خامسا** - با از بین بردن حس ابتکار و کشتن روح خلاق و سازنده در قشر اداری کشور که عموماً افرادی روشنفکر، متخصص و کارآزموده هستند هرگونه اعتماد بنفس و امید بتأمین آینده را متزلزل و منهدم ساخته است .

اینها همه فساد است. فسادی که جامعه را متأثر میکند و در زندگی روزمره مردم اثر نامطلوب دارد . و اما همانطور که اشاره کردیم این فساد فقط بدستگاه دولت و سازمان اجرائی کشور نمیشود ، نمیتواند هم بشود ، مردم هم مقصرند زیرا نه تنها با فساد مه جود مبارزه نمیکند بلکه برای گذشتن کار خود از فساد حمایت میکنند، بقبول آن تن میدهند و آگاه و ناآگاه در ترویج آن میکوشند **سازمان وسیع اداری کشور** از افراد همین کشور تشکیل شده است و عجب اینجاست که آن کارمند دولت، آن رئیس اداره آن مدیر کل ، آن معاون کل و بالاخره آن وزیر وقتی پشت میز کارش نشسته اصلا فساد را مشاهده نمیکند و بوجود آن اعتقادی ندارد اما بمحض آنکه از محیط کارش خارج میشود آنچنان شدید از فساد دستگاه انتقاد میکند که انسان تصور مینماید اصلاح جامعه زمانی عملی خواهد شد

### که این مرد مصدرشغل حساسی در دستگاه دولت گردد .

شک نیست که در سالهای اخیر توجه بمبارزه مجدانه علیه فساد بیشتر شده است اما این توجه همه جانبه واصل نبوده است همه جانبه نبوده زیرا اینطور تصور شده که فقط دستگاه دولت گرفتار فساد است و اصيل نبوده باین جهت که فساد را محدود بدزدی ، رشوه خواری کرده اند .

### فساد در کادروسیع عبارتست از هرگونه اقدام و عملی که مخالف حیثیت انسانی و شعون ملی و پیشرفت و ترقی اجتماع باشد .

آن تاجریکه زردچوبه و فلفل تقلبی وارد بازار میکند ، آن متخصصی که این جنس تقلبی را میسازد و آن پیشه وریکه آنرا ب مردم میفروشد و آن مردمیکه این جنس تقلبی را مصرف میکنند و دم برنمایا ورنند و بالاخره آن دولتیکه بر این جریان نظارت دارد و عملا اقدامی نمیکند همه در اشاعه و ترویج فساد شریک و مقصرند . « کلناراع و کلنا مسئول و عن رعیتة »

آن روزنامه نویسی که از تشریح حقایق سرباز میزند آن قاضی که حکم بر باطل میکند ، آن وکیلی که وظائف اجتماعی خود را انجام نمی دهد ، آن دانش آموزیکه در راه کسب دانش کوتاهی میکند ، آن کارگریکه از کار میزدد ، آن کارفرمائی که هدف اصلیش استثمار کارگر و پایمال کردن حقوق اوست ، آن کارمندیکه بجای انجام وظائف محوله از زیر کار میگریزد و کلاه بر سر دستگاه متبوع خود میگذارد و آن دولتیکه تماشاگر این صحنه هاست کجا میتواند با فساد مبارزه کنند ، کجا میتواند عوامل فساد را از بین برده و از تشدید و گسترش آن جلوگیری کنند ؟ . . .

آیا فساد فقط دزدی و رشوه خواری است . . . ؟؟ آیا فساد فقط در دستگاه دولت است . . . ؟؟

دولت تصور میکند با سرپوش گذاردن روی مفاصد فساد از بین میرود و مردم نیز فکر میکنند اگر فساد موجود لطمه آشکار و مستقیم بزندگی خصوصی و شخصی آنها

نزد این فساد قابل تحمل خواهد بود و میتوان از کنار آن گذشت و بزنگی ادامه داد لذا فقط زمانی در برابر فساد جبهه میگیرند که از اثرات نامطلوب آن با منافع خصوصی و مستقیم ایشان برخورد کند باین مناسبت مبارزه با فساد صورت جدی خود را از دست داده است .

### چگونه باید ریشه فساد را خشک کرد ؟

جنگ بی امان علیه فساد باید همیشه ادامه داشته باشد این تنها وظیفه دولت نیست، وظیفه تمام افراد این کشور است وزیر دادگستری ایران وقتی بر صندلی وزارت تکیه زد رسماً اعلام کرد که « آرزو میکنم هرگز راهش بدادگستری نیافتد» او منظورش از بیان چنین مطلبی که گفته میلیونها نفر از مردم کشور ما میباشد این بود که میخواهد با فساد دستگاه قضائی کشور شدیداً مبارزه کند .

میگذریم از اینکه چنین مبارزه ای به نتیجه نرسید و به نتیجه هم نمی توانست برسد زیرا بفرض آنکه وزیر دادگستری تمام وقت خود را مصروف این اقدام مینمود باز هم کاری از پیش نمیرفت مبارزه با فساد را باید از همه جا آغاز نمود از نظر مردم هیچ وزارتخانه ای وضعیت بهتر از دادگستری نیست اگر قرار بر اصلاحات و خشک کردن ریشه های فساد است باید این مبارزه طی يك برنامه مدرن عمومی برای سراسر کشور بموقع اجرا گذاشته شود هر فرد ، هر گروه و هر دستگاه باید مبارزه با فساد را از خود آغاز کند . و این شروع کار باید هماهنگ و موزون باشد اثرات آن در تمام شئون زندگی مردم و جامعه هویدا گردد ! ...

اکنون که کشور ما از امنیت کامل و آسایش نسبی برخوردار است، اکنون که توجه به نوسازی اجتماع بیش از هر زمان دیگر مشاهده می گردد ، اکنون که شرائط مساعد کافی برای اقدامات بزرگ و اصولی مهیاست و در دسره های سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی گذشته را نداریم ، چرا خود را از آلودگی پائیکه ما حاصل دوران سیاه گذشته است نجات ندهیم ، چرا از رنگهای تباهی را پاك نکنیم چرا بفکر تصفیه خود نباشیم و

فساد را ریشه کن نسازیم ، معلوم نیست در آینده چنین فرصتی داشته باشیم چه بهتر که از تاریخ بیاموزیم ، بیاموزیم که چه باید بکنیم تا ملیت ، استقلال و تمامیت خود را حفظ کنیم ، چه باید بکنیم تا در آماج نفرین نسل های آینده نباشیم .

نجات کشور از فساد احتیاج به جنبش عظیم ، همه جانبه اصیل و صادقانه دارد و این راهیست که انقلاب ایران پیش پای ملت نهاده و ناگزیر از طی آن هستیم .

## حلم

با تو گویم که چیست غایت حلم  
هر که زهرت دهد ، شکر بخشش

کم مباش از درخت ، سایه فکن  
هر که سنگت زند ، ثمر بخشش

هر که بخراشدت جگر بجفا  
همچو کان کریم ، زر بخشش

از صدف یاد گیر نکته حلم  
آنکه بردسرت ، گهر بخشش



یک کلید برای هزاران در  
برای درهای سعادت  
تمام ایران و جهان

سازمان بهمنی

